

۱. قسم چهارم مکاسب محرمه: تکسب به اعمال محرمه
۱. مقام دوم: بحث صغروی
۲. بخشهای فقه الاخلاق:
۲. روابط میان فردی و روابط میان افراد در جامعه:
۳. تدلیس الماشطه:
۳. مقدمه بحث: بیان حکم کلی
۳. حد و حدود اصل آراستگی:
۴. موارد مورد تأکید آراستگی:
۴. معنای عام تزین:
۵. حکم تغییرات چهره:
۵. تزین بالمعنی الخاص:
۶. جمع بندی بحث تزین:
۶. مقام اول بحث تزین: تزین بدون تغییرات
۶. مقام دوم بحث تزین: تزین با تغییرات بدن

قسم چهارم مکاسب محرمه: تکسب به اعمال محرمه

مقام دوم: بحث صغروی

هفت، هشت مقدمه ای را ذکر کردیم و به اینجا رسیدیم که جای یک بحث فقه الاخلاقی که به بررسی اجتناب و اتصاب به فضائل اخلاقی بپردازد، جای چنین بابی در فقه می شود گفت خالی است. گر چه در مکاسب محرمه و جاهای دیگر پراکنده به آن اشاره شده است. اما به هر حال به نظر می آید ما وجهی نداریم بگوییم فقه نباید به این امر نپردازد. به نظر می آید که باید پرداخته شود. در اخلاق هم اکتساب به فضائل که بحث شده است با این نگاه بحث نشده است. با یک روش و متد اجتهادی بخواهد حکم استخراج بشود. اینجور چیزی در اخلاق نیست. یکی

دو سه کتاب به عنوان فقه الاخلاق به این شکل وارد شده است. ۲/۱۰ دو جلد فقه الاخلاق دارد. آنها احتمالاً آمده اند فقه را به معنای فقه اکبر گرفته اند. و اسم بحثهای اخلاقیشان را فقه الاخلاق گذاشته اند. این است که ما می گوییم نه فقه الاخلاق، فقه اصغراست، یعنی فقه به معنای تعیین حکم تکلیفی و احکام خمس است. منتهی باید در حوزه اکتساب و اجتناب فضائل و رذائل، حکمش چیست؟ مستند به ادله با همان فطرت فقهی و اخلاقی، یک لیستی هم در رذائل است که در آن وجوب یا استحباب حرمت بحث می شود. این کار فقهی باید انجام شود که نشده است.

بخشهای فقه الاخلاق:

۱. حکم اکتساب به فضائل و اجتناب رذائل است. فهرست این هم همین است. یک مقدماتی دارد. بحثهای فقهی و مقدماتی دارد. بعد هم لیست همان فضائلی که در اخلاق آمده با لیستی که در رذائل اخلاقی آمده یک به یک باید با روش و شیوه و منهج اصولی و فقهاتی و اجتهادی باید بررسی شود.
۲. افعال اخلاقی، که آن هم خودش بخش دوم می شود. که باید بحث شود. در اینجا بعضی از صفات و بعضی از افعال اخلاقی مثل کذب و غش و اینها در اینجا آمده و در حوزه فقه الاخلاق می آید.

روابط میان فردی و روابط میان افراد در جامعه:

یک بحث روابط میان فردی وجود دارد. هم در روانشناسی و هم در جامعه شناسی و اینها. و آن چیزی است که بخشی از آن در رساله حقوق و جاهای دیگر آمده که حقوقی که افراد نسبت به همدیگر دارند. و روابطی که افراد در جامعه با یکدیگر بینشان متصور است. در بحث تکریم، احترام، ادب و سلام و امثال اینها که چیزهایی فراوانی است آن هم یک بابی است، یک قسمتش با همین بخشهای اخلاقی ارتباط پیدا می کند. و یک قسمتهای جدیدی هم دارد که این هم در جای خودش باید از نظر فقهی تنقیح شود. روابط میان فردی هم جایش خالی است. یعنی روابط میان فردی میان آحاد و افراد اجتماع، بعضی از محورهایش در افعال اخلاقی آمده است. اخلاق اجتماعی یک معنای عام تری هم دارد. که شاید در روابط کلان اجتماعی را هم بگیرد. اگر آن را بگویید، اما اگر اخلاق اجتماعی همین روابط افراد در جامعه باشد آن را هم می گیرد. این هم هست که می شود یک قسمتی از اخلاق می تواند باشد. می شود چیز مستقلی هم قرار داد. بنابراین یک فقه روابط اجتماعی یا روابط میان فردی در جامعه که بخشی از آن به روابط اجتماعی ارتباط پیدا می کند. آن هم ضرورت دارد که بعضی از آن بحثهایی که اینجا می آید با آن ارتباط پیدا می کند.

تدلیس الماشطه:

تدلیس ماشطه در تحریر نیامده است. و لذا در فرمایشات حضرت امام و شرحی که مرحوم آقای فاضل در تحریر دارند، تدلیس نیامده است. اما در مکاسب آمده و آقای خوئی و آقای تبریزی و آقای مکارم هم بحث کرده اند. کتب قدما هم در بعضی هست و در بعضی نیست. تدلیس ماشطه اولین بحثی است که به عنوان امر محرم مطرح شده است. و طرحش هم در اینجا به دلیل این است که تدلیس ماشطه و آرایش گری که انجام می شد، این هم امری بوده که در باب ازدواج انجام می شد که برای اینکه کسی را عروس نکنند. و ازدواج نکنند، تدلیس می کردند. و آرایش گری می کردند. و خودش یک پدیده رایجی بوده و در روایات هم اصل این آرایش گری و حکم آن مطرح است. و هم معامله و کسب به این تدلیس، که قدیم خودش یک شغل و حرفه بوده است. و امروزه در سطح خیلی وسیع تری به عنوان شغل و حرفه در آمده است. و لذا اینجا هم بحث صغروی مهم است، هم بحث کبروی. بحث کبروی به دلیل اینکه روایات خاصه دارد. و الا اگر روایات خاصه نبود، حکم همانی بود که قبلاً مطرح می کردیم. که اگر حرمت چیزی در محدوده ثابت شد، اشتغال به آن تکلیفاً حرام است. ولی وضعاً حرام نیست. اما به لحاظ صغروی و به لحاظ روایات خاصه اینجا باید بحث شود.

مقدمه بحث: بیان حکم کلی

حکم کلی این است که اصل آرایش کردن، نه تدلیس، اصل مشاطت یا تزین در جایی که موجب حرامی نشود، از نظر شرعی مانعی ندارد. اگر در حدی که تزین موجب حرام نشود. برای افراد مانعی ندارد. و در بعضی از جاها تزین هم می گوید اعم از این است که لباس خوب بپوشد و قیافه اش را مرتب کند. اصل تزین بما هو هو، اصل این حداقلش این است که مانعی ندارد. در یک مواردی ترغیب هم شده است، البته با یک حدودی، یکی بحث اینکه افراد در جامعه و در روابط میان خودشان آراسته باشند. تزین به معنای آراستگی، آراستگی در قیافه در لباس در نظافت، اینها همه به نحوی مفاهیم آراستگی را می رسانند. این یک نوع تزین عمومی است که در جامعه میان افراد مورد ترغیب قرار گرفته است. و این از چیزهایی است که جای بحث فقهی مفصل دارد. و در بعضی از روایات مذمت شده که کسی نظیف و مرتب نباشد. و امثال اینها، این امر مطلوب است.

حد و حدود اصل آراستگی:

۱. در آنجایی که تغییر خلقت نباشد.
۲. تصرف و تبذیر نباشد.
۳. تهییج شهوانی نباشد.
۴. زن برای مرد و مرد برای زن اجنبی نباشد.

تا این حد آراستگی و تزئین خوب و مطلوب است از نظر اسلام در روابط میان انسانها دست کمش این است که یک مستحب مؤکد است، طبق ترغیباتی که در روایات و اینها آمده است. این یک بحث است که در جای خودش باید جامع و مبسوط روایات و اخبار و احادیثش را انسان بررسی کند.

موارد مورد تأکید آراستگی:

۱. یکی بحث آراستگی در مسجد، خذوا زینتکم عند کل مسجد. البته زینت در بعضی از روایات گفته شده است که عمامه است. و فقط مقصود از زینت عمامه نیست، آراستگی و لباس مناسب و عطر و نظافت و انگشتر و اینکه با هیئت مناسب و جمیلی وارد مسجد بشود. و در محضر خدا حضور پیدا کند. و در عبادت و در نماز و اینها این هم در روایات هست که لباس هر چقدر بیشتر باشد. مثلاً عبا و عمامه، اینها ثواب را بیشتر می کنند. یعنی هر چقدر بیشتر اجزاء عالم ماده در محضر خدا همراه انسان باشد، ثواب بیشتری دارد. این تزئین در اینجا، بخشی از این مصادیق این زینت علاوه بر قاعده کلی در موارد خاص می گوئیم. بخشی از اینها چیزهای ثابتی است که در خود روایات ذکر شده است. مثل عمامه اینطور است. یا عبا اینها مصادیق زینت هستند. بخشی هم متغیر است. مثلاً در روایات و اینها دارد که موی پیامبر اکرم یا گوششان ریخته بود. آنوقت متداول زینت بود. ولی الان معلوم نیست این را زینت بدانند. اصلش این است که خذوا زینتکم عند کل مسجد. این یک مورد خاصی است علاوه بر مورد کلی که تأکیدی دارد.

۲. مورد دیگری که تأکید فراوان شده است، تزئین زن برای مرد است. و حتی تزئین مرد برای زن در روابط خانوادگی و زناشویی و زن و مرد، نه مطلق محارم، زن و مرد، زوجین این هم از مسائلی است که در ابواب مقدمات نکاح آمده. و این روایات متعدد است و طرفینی هم است، البته برای زن تأکید بیشتری شده است. که زن برای مرد تزئین کند. حتی روایاتی دارد که لا ینبغی بالمرأه عن تعطل نفسها و زوجها و لو بقلاده و لو كانت مسنه، که این هم در روایات به آن تأکید شده است. معکوسش هم همینطور است که اجمالاً عرض می کنم. خود ائمه هم می فرمایند که همانطور که مرد رغبت‌هایی دارد زن هم رغبت‌هایی دارد. البته درجه این متفاوت است. تأکید در روایات خیلی متفاوت است.

معنای عام تزئین:

تزئین و زینت هم لباس را می گیرد. و هم قیافه را می گیرد. و هم نظافت را می گیرد. و هم امور دیگر را می گیرد. عطر و اینها اگر در زینت هم نباشد. در روایات خیلی به آن تأکید شده است. خضاب هم در روایات در حد استحباب دارد. بعید نیست زینت که می گوئیم اینها را هم بگیرد. و همه اینها یک چهارچوب‌هایی دارد. که اجمالاً گفتیم.

حکم تغییرات چهره:

عملیه های جراحی و اینها برای تزئین و اینها، این اگر ضرری برساند، آنوقت باید ببینیم که اضرار به نفس را ما مطلقاً تحریم می کنیم، یا بعضی از مواردش را، که بین فقها اختلاف است. اگر بگویید مطلقاً حرام است، حرام است. یا اینکه مستلزم نگاه نامحرم باشد، آن هم جای بحث است. یا اینکه غش برایش صادق باشد. و البته بعید است که صادق باشد. برای اینکه دختری قیافه اش را عوض می کند زیبا می شود و چهره زشت او تغییر پیدا می کند. مگر اینکه بگوییم همینکه با عملیه جراحیه اینطور شده است خود این خدعه ای است. اگر طرف نداند که با جراحی اینطور شده است. بدون جراحی اینجور نبوده است. این ممکن است اشکال پیدا کند. و لذا این هم یک نکته دیگری است که عملیات جراحیه و عمل جراحی و جراحیهای پلاستیکی و و جراحیهایی که به منظور زیباسازی چهره و اعضاء و جوارح انجام می شود. اگر اضراری در آن نباشد و نگاه نامحرمی نباشد و امثال این معلوم نیست. اشکال و مانعی داشته باشد. اگر للعلاج باشد مانعی ندارد. مثلاً زگیل را بر می دارد. و یا زگیل برایش ضرر دارد. و مشکلاتی دارد که باید عمل بکند که آن واجب است. و مانعی ندارد. اگر هیچ کدام از وجوه را ندارد، فقط برای تزئین و زیباسازی است. این محل بحث است. و الا آنجایی که مرضی را معالجه می کند. یا اینکه چهره کریهی پیدا کرده است، آنجا ممکن است بگوییم لازم است آن کار را بکند. یعنی آن چهره کریه که موجب تنفر دیگران می شود. لا یبعد که آنجا قائل می شویم به اینکه باید این کار انجام شود.

تزئین بالمعنی الخاص:

یعنی به نحو تغییر چهره بعملیه الجراحیه این بخشش اگر برای معالجه باشد، یجوز، به معنای اینکه گاهی هم واجب است. گاهی جواز به معنی العام است یا جاهایی جواز مطلق دارد و گاهی هم جواز استحباب دارد. گاهی هم واجب می شود. و اگر برای دفع ضرر و معالجه باشد. جای دیگری هم باز این تغییرات چهره ای اگر در جایی انجام ندهد نوعی اظلال است. چهره تنفر زا است و قابل معالجه است. این هم لا یبعد که بگوییم واجب است به عناوین کلی و ثانوی، کما اینکه این در عملیات جراحیه تزئینی است. در غیر تزئینی هم اینطور است. بچه اش به دنیا آمده و پایش کج است. اگر در همان سه روز اول گچ بگیرد درست می شود. بنابراین تزئین یک بحث کلیش آن بود. تزئین با عملیه جراحی هم برای معالجه مانعی ندارد. بلکه ربما یجوز، قسم دومش هم آنجایی است که موجب تنفر و کراهتی در شخص بشود یا آسیب جدی که همیشه بنا است او را همراهی کند. این هم بعید نیست که بگوییم با عناوین ثانویه واجب است.

جمع بندی بحث تزئین:

حکم اولیه اش استحباب است با سه، چهار قید. که تهییج شهوانی نباشد، محرم و نامحرم نباشد و شهرت و امثال اینها نباشد. با اینها مستحب می شود. در روابط زن و شوهر و در مسجد مستحب مؤکد می شود، و ربما تعرض علیه عناوین آخری یوجب وجوب التزئین، آنجایی که اگر این نباشد موجب ایذاء می شود، یا موجب فتنه یا اعانه بر اثمی باشد. زنی که اعتنایی به این امور ندارد و موجب این می شود که شوهرش در گناه بیفتد. با عناوین اولیه و ثانویه این حکم این است.

مقام اول بحث تزئین: تزئین بدون تغییرات

تغییر دارد، ولی تغییرات متعارف است. این تزئین مستحب مع شرائط، و یتأكد استحبابه فی موارد. و ربما یجب لعناوین ثانویه

مقام دوم بحث تزئین: تزئین با تغییرات بدن

عملیه جراحیه اگر برای معالجه باشد که یجوز و قد یجب، اگر برای معالجه نیست، فقط برای تزئین است. آن هم اگر در آن اضرار نباشد. و عناوین ثانویه مثل نگاه نامحرم و امثال اینها نباشد جایز است، بلکه گاهی واجب می شود. اما اگر اضراری در آن باشد آن اشکال دارد. اینکه غش یا تدلیس هم حساب شود، بعید نیست. برای اینکه اگر کسی نگوید و این کار را انجام بدهد. ممکن است بگوییم این هم نوعی غش در ازدواج و اینها است.